

مطالعه تطبیقی کاربرد طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها و راهنمای تشخیصی و آماری

اختلالات روانی در مراکز روانپزشکی مستقر در تهران، ۱۳۸۰

دکتر نادر خالص^۱، مریم احمدی^۲، منصوره ناسوقی^۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تطبیق کاربرد طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها و راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی در مراکز روانپزشکی مستقر در تهران می‌باشد. این مطالعه به روش توصیفی انجام گرفته است و اطلاعات از طریق توزیع پرسشنامه در بین پاسخگویان و به صورت حضوری توسط پژوهشگران گردآوری گردیده است. جامعه پژوهش را اساتید بالینی رشته روانپزشکی و کدگذاران شاغل در مراکز روانپزشکی تشکیل می‌دهند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که اکثریت اساتید بالینی رشته روانپزشکی سومین اولویت را برای پرونده پزشکی بیماران (۱۵/۸ درصد) به عنوان یکی از منابع اطلاعاتی مورد استفاده، قائل شده بودند.

سایر یافته‌های این پژوهش عبارت بودند از:

- در (۷۵ درصد) از مراکز روانپزشکی مورد مطالعه کدگذاری اختلالات روانی انجام می‌شود. همچنین در اکثر این مراکز (۶/۶ درصد) از ICD-10 جهت کدگذاری پرونده‌های پزشکی استفاده شده است.
- اکثریت افراد مورد پژوهش موافق ایجاد طبقه‌بندی ملی اختلالات روانی بودند.
- از دیدگاه اکثریت اساتید بالینی و کدگذاران، کاربرد طبقه‌بندی‌های بین‌المللی بیماری‌ها و راهنمای تشخیص و آماری اختلالات روانی ضروری بوده است. همچنین ایشان موافق کاربرد طبقه‌بندی‌های مذکور بودند.

واژه‌های کلیدی: کاربرد، طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها، راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی

مقدمه

بهداشت روانی جامعه از اولویت‌های بهداشتی هر کشوری به شمار می‌آید. دلایل عمده‌ای برای اولویت دادن به بهداشت روانی وجود دارد که از آن جمله شایع بودن اختلالات روانی - عصبی را می‌توان بیان کرد. مطابق پیش‌بینی‌های انجام شده، بیماری‌های

بدون شک یکی از مسائل اساسی کشورهای جهان، تأمین و حفظ سلامت یا بهداشت افراد جامعه می‌باشد. از آنجا که بهداشت روانی یکی از اجزای اصلی بهداشت عمومی محسوب می‌شود، لذا تأمین

۱- استادیار و دکترای مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران. (مؤلف مسؤول)

۲- مربی و دانشجوی دکترای تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران.

۳- کارشناس ارشد آموزش مدارک پزشکی.

روانی تا سال ۲۰۲۰، دومین رده بیماری‌ها را از نظر شیوع در افراد تشکیل خواهند داد و ناراحتی‌های روانی از جمله افسردگی در صف دوم بیماری‌ها قرار خواهند گرفت.

سازمان بهداشت جهانی با توجه به اهمیت بهداشت روانی و برای احتراز از مشکلات مربوط به عدم وجود معیار استاندارد دقیق برای بیماری روانی تعریفی را توصیه می‌کند.

در راستای رفع این مشکلات و با مقایسه اطلاعات بدست آمده از محققین متعدد مشخص گردید که می‌بایست نظام صحیح و یکسانی برای طبقه‌بندی آماری اختلالات روانی وجود داشته باشد. لذا در این زمینه DSM^(۱) و ICD^(۲) (همراه با اقتباسات آن همانند CDDG، DCR و غیره) به عنوان دو سیستم طبقه‌بندی عمده در زمینه روانپزشکی تدوین شدند.

کاربرد سیستم طبقه‌بندی معتبر در زمینه روانپزشکی نه تنها به امر تشخیص بیماری کمک می‌نماید، بلکه موجب گردهمایی بیماران با علایم مشابه می‌گردد تا از این طریق بتوان درمانی مناسب را طرح‌ریزی نمود. بدیهی است، حتی پیش‌آگهی احتمالی آنها را باید پیش‌بینی کرد.

پر واضح است که هر اندازه کدگذاری اختلالات روانی دقیق‌تر و صحیح‌تر صورت پذیرد، موجب بازدهی و بازایی مفیدتر اطلاعات روانپزشکی از پرونده بیماران می‌گردد.

بدین منظور مطالعه تطبیقی کاربرد طبقه‌بندی‌های بین‌المللی بیماری‌ها و راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی در مراکز روانپزشکی مستقر در تهران صورت گرفت.

روش پژوهش

این پژوهش به صورت توصیفی - مقایسه‌ای انجام شد. جامعه پژوهش اساتید بالینی رشته روانپزشکی و

کدگذاران بودند که در مراکز روانپزشکی وابسته به دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران، ایران و شهید بهشتی اشتغال به کار داشتند.

در این پژوهش به دلیل محدودیت جامعه پژوهش نمونه‌گیری به عمل نیامد. در این مطالعه تعداد کل جمعیت مورد بررسی ۵۴ نفر تعیین شد، اما این تعداد به دلایل مختلف از جمله پاسخ ندادن به سؤالات، مشغله کاری زیاد و غیره به ۳۹ نفر کاهش یافت.

ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه کتبی بود که با مراجعه مستقیم به مراکز روانپزشکی مورد مطالعه توزیع و سپس به صورت حضوری جمع‌آوری گردید. تحلیل داده‌ها به طریق دستی و با روش آمار توصیفی انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش

اکثریت اساتید بالینی مراکز تحت مطالعه را مردان (۷۴/۲ درصد)، در گروه سنی ۴۹-۴۰ سال (۳۸/۷ درصد) و با سابقه کار ۲۴-۱۵ سال (۵۱/۶ درصد) تشکیل می‌دادند. همچنین تمامی کدگذاران مراکز روانپزشکی مورد مطالعه زن بودند. (۵۰ درصد) از کدگذاران در گروه سنی ۳۹-۳۰ سال، حدود (۷۵ درصد) از ایشان مدرک تحصیلی کارشناسی و (۵۰ درصد) سابقه کار ۹-۵ سال داشتند. از جمع‌بندی پاسخ‌های مندرج در جداول مختلف نتایج زیر بدست آمد:

* اکثریت اساتید بالینی پرونده پزشکی بیماران را به عنوان سومین اولویت منابع اطلاعاتی مورد استفاده قرار می‌دادند (۱۵/۸ درصد). همچنین (۴۶/۶ درصد) از ایشان ارائه خدمات درمانی را به عنوان مهمترین علت نیاز خویش به پرونده‌های

1- Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM)
2- International Classification of Diseases (ICD).

پزشکی اعلام کردند.

* در (۷۵ درصد) از مراکز مورد بررسی، کدگذاری اختلالات روانی صورت می‌گیرد که در اکثر این مراکز (۶۶/۶ درصد) از ICD-10 جهت کدگذاری پرونده‌های پزشکی استفاده می‌شود.

* میزان آشنایی اکثر اساتید بالینی با طبقه‌بندی DCM زیاد (۷۴/۲ درصد)، اما با طبقه‌بندی ICD-10 (۴۱/۹ درصد) در حد متوسط، CDDG و DCR بسیار کم ارزیابی شده است. همچنین آشنایی اکثر کدگذاران با طبقه‌بندی DSM (۶۲/۵ درصد) به میزان کم، ICD-10 (۶۲/۵ درصد) به میزان زیاد و با طبقه‌بندی CDDG (۵۰ درصد) به میزان متوسط بوده است.

* از دید اساتید بالینی، کاربرد DSM نیازهای اطلاعاتی ایشان را به میزان زیاد و کاربرد طبقه‌بندی‌های بین‌المللی بیماری‌ها نیازهای اطلاعاتی ایشان را به میزان متوسط (۴۵/۲ درصد) مرتفع کرده است. اما (۶۲/۵ درصد) کدگذاران معتقد بودند که بکارگیری ویرایش دهم طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها نیازهای اطلاعاتی اساتید بالینی را به میزان بسیار زیاد و زیاد برآورده می‌کند.

* اکثریت اساتید بالینی (۴۸/۴ درصد) و کدگذاران (۵۰ درصد) نسبت به تجدید نظر و بازنگری طبقه‌بندی اختلالات روانی احساس نیاز می‌کردند. اکثریت اساتید بالینی (۶۴/۶ درصد) و کدگذاران (۵۰ درصد) ایجاد طبقه‌بندی ملی اختلالات روانی را به میزان بسیار زیاد و زیاد ضروری دانسته‌اند.

* اکثریت اساتید بالینی کاربرد DSM را تسهیل قضاوت بالینی و امر طرح‌ریزی درمانی برشمردند. (۳۵/۸ درصد) آنان مهمترین نقاط قوت کاربرد طبقه‌بندی‌های بین‌المللی بیماری‌ها را فراهم نمودن امکان مقایسه اختلالات روانی در سطح

بین‌المللی (۲۶/۴ درصد) دانسته‌اند.

* کدگذاران نیز مهمترین علل کاربرد DSM را جمع‌آوری و ارائه آمار بهداشت روانی (۲۶ درصد) و مهمترین علل کاربرد طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها را طبقه‌بندی صحیح بیماری‌ها و امکان بازیابی سریع (۳۴/۸ درصد) بیان کرده‌اند. همچنین از نظر بیشتر اساتید بالینی (۳۵/۳ درصد) و کدگذاران (۳۱/۶ درصد) آشنانبودن با DSM از مهمترین علل عدم کاربرد این طبقه‌بندی بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف کلی از انجام این پژوهش، مطالعه تطبیقی کاربرد طبقه‌بندی‌های بین‌المللی بیماری‌ها و راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی در مراکز روانپزشکی مستقر در تهران بود. بدین منظور با توجه به اهداف پژوهش، نتایج زیر بدست آمده است:

* اکثریت اساتید بالینی و کدگذاران نسبت به تجدید نظر و بازنگری طبقه‌بندی اختلالات روانی نگرش مثبتی داشتند.

* اکثریت اساتید بالینی و کدگذاران موافق ایجاد طبقه‌بندی ملی اختلالات روانی بودند.

* اکثریت اساتید بالینی و کدگذاران کاربرد طبقه‌بندی‌های بین‌المللی بیماری‌ها و راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی را ضروری دانسته و موافق کاربرد طبقه‌بندی‌های مذکور بودند.

* از دید اکثریت اساتید بالینی با بکارگیری DSM نیازهای اطلاعاتی ایشان مرتفع شده است، اما نیازهای اطلاعاتی اساتید بالینی در نتیجه بکارگیری طبقه‌بندی‌های بین‌المللی بیماری‌ها به میزان کمی برآورده شده که شاید بتوان علت آن را آشنایی کم اساتید بالینی رشته روانپزشکی با طبقه‌بندی‌های بین‌المللی بیماری‌ها عنوان کرد. لذا

A Comparative Study on Application of ICD and DSM in Psychiatric Centers, Tehran, 2001-2

N. Khaledi Ph.D.*⁽¹⁾ M.Ahmadi M.S.⁽²⁾ M.Nasoughi M.S.⁽³⁾

Abstract

This research adjustment of application of International Classification of Diseases, as well as Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders in Tehran psychiatric centers, was carried out between 2001-2002 and was accomplished through a descriptive method.

The information was collected by questionnaires and consisted of attending sessions by researchers. The Research community code clerks, and clinical instruction practicing in psychiatric centers of Tehran, Iran and Shahid Beheshti Universities of Medical Sciences.

The findings show that most clinical experts consider the medical record of patients (15.8%) as the third priority amongst applicable information resources. Other findings in this research are as follows:

1- Coding of mental disorders is implemented in 75% of psychiatric centers, in many of which (66.6%), ICD-10 is used for coding of medical records.

2- Most clinicians (48.4%) and code clerks (50%) have a positive attitude about some revision on the mental disorders classification.

3- Most individuals within research circle agree upon development of a national classification of mental disorders. (clinicians 64.6% & code clerks 50%)

4- Most clinicians and code clerks agree with the Application of International Classification of Diseases, as well as Diagnostic and Statistical Manual of mental disorders- and believe that they are essential, and they had a consensus on using those classifications.

Key Words: Usage, ICD, DSM

1- Assistant Professor, Ph.D. in Health Services Administration, School of Management and Medical Information Sciences, Iran University of Medical Sciences, Tehran. (* Corresponding Author)

2- Instructor, Ph.D. Student of Health Services Administration, School of Management and Medical Information Sciences, Iran University of Medical Sciences, Tehran.

3- M.S. in Medical Records Education